



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدین حفظه الله تعالی

موضوع:

مقدمات؛ حجت؛ کتاب خداوند؛ تفسیر قرآن؛ تفسیر برخی آیات قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: فرهاد گلستان

تاریخ: ۱۳۹۵/۳/۴

۱. در آیهی «إِنَّا إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ»، ضمیر «نا» به چه کس یا کسانی بر می‌گردد؟ چرا از ضمیر «ی» استفاده نشده است؟
۲. از آنجایی که خداوند در برخی آیات قرآن از ضمیر متکلم وحده استفاده کرده است، چه منظور متفاوتی از آیاتی که از ضمیر متکلم مع الغیر استفاده کرده است، دارد؟
۳. در مورد دو آیهی «اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ» و «يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ» اظهار نظر فرمایید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۳/۸

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. ضمیر «نا» در آیهی مبارکهی «إِنَّا إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ»؛ «بی‌گمان بازگشت آنان به سوی ماست»، به خداوند بلندمرتبه باز می‌گردد؛ چنانکه در آیات دیگری به این معنا تصریح شده و به عنوان نمونه، آمده است: «اللّٰهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ «خداوند آفرینش را آغاز می‌کند و سپس بر می‌گرداند و سپس به سوی او باز می‌گردید» و آمده است: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؛ «و هر کس در آسمان‌ها و زمین است خواسته و ناخواسته تسلیم او شده است و به سوی او باز می‌گردند» و آمده است: «هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛ «اوست که زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او باز می‌گردید» و آمده است: «هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛

۱. الغاشية / ۲۵

۲. الزوم / ۱۱

۳. آل عمران / ۸۳

۴. یونس / ۵۶

۵. هود / ۳۴

«او پروردگار شماست و به سوی او باز می‌گردید». با این وصف، استفاده از ضمیر جمع به جای مفرد در آیهی مورد سؤال، از باب تعظیم است؛ چنانکه در زبان فارسی نیز استفاده از ضمیر جمع به جای مفرد از باب تعظیم رایج است؛ به این صورت که به جای «من»، «ما» و به جای «تو»، «شما» و به جای «او»، «ایشان» گفته می‌شود.

۲. متبادر از سخن خداوند در همه‌ی مواردی که به جای ضمیر متکلم وحده از ضمیر متکلم مع الغیر استفاده فرموده، تعظیم است، ولی بنا بر نظر برخی مفسران ممکن است در برخی موارد نیز به ملائکه به مثابه‌ی ایادی و جنود خود نظر داشته باشد، در حالی که این بر خلاف ظاهر سخن اوست و نیاز به قرینه دارد، بلکه جمع بستن خداوند و ملائکه با یک ضمیر خالی از اشکال نیست؛ چراکه خداوند و ملائکه در یک درجه نیستند تا جمع بستن آن‌ها با هم صحیح باشد؛ چنانکه خداوند در همه‌ی موارد، ملائکه را جدا از خود یاد کرده و به عنوان نمونه فرموده است: **لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا**^۱؛ «اما خداوند به چیزی که بر تو نازل کرده است شهادت می‌دهد، آن را با علم خود نازل کرده است و ملائکه نیز شهادت می‌دهند و خداوند به عنوان شاهد کافی است»، بلکه از شمارش خود در میان بندگان ابا کرده و فرموده است: **مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ**^۲؛ «هیچ سه نفری نیستند که با یکدیگر نجوا می‌کنند مگر اینکه او چهارمین آنان است و نه پنج نفری مگر اینکه او ششمین آنان است» و فرموده است: **«سومین سه نفر»** و «پنجمین پنج نفر»، بلکه چنین شمارشی را کفر دانسته و فرموده است: **لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ**^۳؛ «هرآینه کافر شدند کسانی که گفتند خداوند سومین سه نفر است» و با این وصف، جمع بستن او و بندگان با یک ضمیر شایسته نیست.

آری، در مواردی که تأکید بر یگانگی او در سخنش موضوعیت داشته، از ضمیر متکلم وحده استفاده کرده و به عنوان نمونه فرموده است: **إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**^۴؛ «هرآینه من منم خداوند که جز من خدایی نیست، پس من را بپرست و نماز را برای یادم بر پا دار»، بلکه ضمیر متکلم مع الغیر را به ضمیر متکلم وحده تبدیل کرده و فرموده است: **«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ»**^۵؛ «و پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که هرآینه جز من خدایی نیست پس من را پرستش کنید!». از اینجا دانسته می‌شود که خداوند در مواردی که عظمت او موضوعیت بیشتری داشته،

۱. النساء / ۱۶۶

۲. المجادلة / ۷

۳. المائدة / ۷۳

۴. طه / ۱۴

۵. الانبیاء / ۲۵

از ضمیر متکلم مع الغیر و در مواردی که وحدانیت او موضوعیت بیشتری داشته از ضمیر متکلم وحده استفاده فرموده است.

۳. در آیهی «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»؛ «خداوند جان‌ها را در زمان مرگشان می‌گیرد»، گرفتن جان‌ها به خداوند نسبت داده شده و در آیهی «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ»؛ «بگو فرشته‌ی مرگی که بر شما گماشته شده است (جان‌های) شما را می‌گیرد و آن گاه به سوی پروردگارتان باز می‌گردید»، گرفتن جان‌ها به فرشته‌ی مرگ نسبت داده شده، به اعتبار اینکه از جانب خداوند «گماشته شده است». بنابراین، گویی در پاسخ به این پرسش که «خداوند چگونه جان‌ها را می‌گیرد؟» فرموده است: «به وسیله‌ی فرشته‌ی مرگ» و با این وصف، میان دو آیه تعارضی وجود ندارد؛ خصوصاً با توجه به اینکه نسبت دادن کاری به خداوند، لزوماً به معنای این نیست که خداوند آن را بدون وسیله انجام می‌دهد، ولی برای آگاهی از وجود و ماهیت وسیله‌ی او نیاز به دلیل است، مانند آیهی «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ» که دلیلی بر وجود و ماهیت وسیله‌ی او در گرفتن جان‌ها است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر معصوم‌ها شیخ جعفر جعفری
مجلس خبرگان رهبری

